

## بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر پر خاشگری در بین تماشاگران فوتبال

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۷

محمد عباس زاده،<sup>۱</sup> موسی سعادت،<sup>۲</sup> افشار کبیری،<sup>۳</sup> طاها عشایری<sup>۴</sup>

از صفحه ۳۵ الی ۷۰

### چکیده

زمینه و هدف: خشونت جزئی از آسیب‌های اجتماعی عصر مدرن بوده که منجر به فروپاشی اخلاقی در مناسبات اجتماعی شد است. ورزش فوتبال، نیز یکی از فعالیت‌های مورد توجه شهروندان و عنصری هیجان‌زاست که با تهییج احساسات اجتماعی و بروز خشونت همراه است، به موازات تغییر و تحولات در عرصه‌های ورزشی، مسئله پر خاشگری و خشونت نیز به چه به‌صورت گروهی و چه فردی فراگیر شده و منجر به بروز اختلال در سیستم کارکردی روابط اجتماعی و زندگی شهروندی شده است که تجلی آن را می‌توان در میان تماشاگران، طرفداران و گاه بازیکنان فوتبال مشاهده کرد. در این راستا، پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر رفتارهای پر خاش‌جویانه در بین هواداران فوتبال نگاشته شده است.

**روش‌شناسی:** روش پژوهش، پژوهش حاضر پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش بالغ بر ۷۰۰۰۰ نفر تماشاگران حاضر در یکی از ورزشگاه‌های فوتبال کشور می‌باشد، که از این تعداد ۴۰۰ نفر بر اساس فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه برآورد گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. **یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که همبستگی بین متغیرهای سن، کنترل پلیس، یادگیری پر خاشگری، ناکامی، تحریک رسانه‌های جمعی، با متغیر وابسته پر خاشگری تماشاگران به تأیید رسید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی نیز حاکی از آن است که متغیرهای مستقل پژوهش، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** کاهش خشونت و پر خاشگری در بستر خانواده و رسانه‌های جمعی و از طرفی، افزایش کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی نقشی اساسی در جلوگیری و کاهش پدیده پر خاشگری در بین تماشاگران فوتبال ایفا می‌نماید.

### واژه‌های کلیدی

کنترل اجتماعی، یادگیری پر خاشگری، رسانه جمعی، ناکامی، پر خاشگری، تماشاگران فوتبال.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز E-mail: m.abbaszadeh2014@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان(نویسنده مسئول) saadati.2245@yahoo.com

۳- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه ارومیه a.kabiri@urmia.ac.ir

۴- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه کاشان t.ashayeri@gmail.com

\*مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان آذربایجان شرقی به سرانجام رسیده است.

## مقدمه

در عصر حاضر، ورزش به بخش مهمی از زندگی اجتماعی و فرهنگی بسیاری از جوامع دنیا بدل شده است. بازی‌های المپیک، رویدادهای متعدد بین‌المللی و به ویژه جام جهانی فوتبال فکر و ذهن میلیون‌ها علاقه‌مند به ورزش را در سراسر دنیا به خود مشغول می‌کند و در هنگام برگزاری این رقابت‌ها میلیون‌ها تماشاگر و بیننده، چه مستقیم و با حضور در عرصه‌های برگزاری فعالیت‌های ورزشی و چه از طریق رسانه‌ها، نتایج و اخبار رویدادها را به دقت دنبال می‌کنند.

ورزش دنیای کوچکی است که ارزش‌های اجتماعی ویژه‌ای را منعکس می‌کند. تجلی ارزش‌ها از طریق ورزش نشان‌دهنده نقش حائز اهمیت آن در جامعه است. ورزش در حکم نهادی اجتماعی با سطوح متعدد و فراوانی از روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد و با عناصر گوناگونی مانند پایگاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، سرمایه فرهنگی<sup>۲</sup>، حضور و عملکرد رسانه‌های جمعی، روابط قومی و نژادی، پوشش، زبان، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی مردم و تماشاگران ارتباط عمیقی دارد (رحمتی، ۱۳۸۸: ۳).

در بین فعالیت‌های گوناگون ورزشی رایج در سراسر دنیا، بی‌تردید ورزش فوتبال پرطرفدارترین، پرشرکت‌کننده‌ترین و پربیننده‌ترین فعالیت و رشته ورزشی به شمار می‌آید. فوتبال، بیش از آن‌که ورزشی ساده و معمولی باشد، پدیده‌ای است پیچیده که بی‌هیچ اغراق باید همانند سایر پدیده‌های اجتماعی دیگر به آن نگاه کرد. اگر روزگاری تعداد ورزشگاه‌های با ظرفیت پنجاه هزار نفر به بالا، در جهان از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، امروزه چند صد ورزشگاه عظیم در سراسر دنیا احداث شده است که مکان‌هایی برای گرد هم آمدن دوستداران و طرفداران فوتبال محسوب می‌شوند. امروزه بازی فوتبال، یک اصل غیر قابل انکار در زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر جهان محسوب می‌شود. پیشرفت‌های سریع و چشم‌گیر و هیجانات زیاد این

1-Social Capital  
2-Social Cultural

بازی، از آن یک پدیده بزرگ ساخته است. در این میان موفقیت تیم‌های فوتبال، ناکامی یا کامیابی آن‌ها در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی اهمیت فراوانی بین مردم جوامع گوناگون پیدا کرده است. از جمله مسائل حائز اهمیتی که به ویژه در دو دهه اخیر مورد توجه اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان قرار گرفته است، بررسی و تبیین رویدادها و حوادث خشونت بار مربوط به فوتبال است که هر از چند گاهی می‌توان جلوه‌هایی از آن را در هنگام برگزاری مسابقه‌های فوتبال در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مشاهده کرد (رحیمی، ۱۳۸۸: ۵). خشونت و پرخاشگری<sup>۱</sup>، پدیده‌هایی روانی- اجتماعی هستند که در محیط‌های جمعی هیجان‌آور امکان تجلی پیدا می‌کنند و بین فعالیت‌های ورزشی گوناگون، ورزش فوتبال بیش از سایر رشته‌های ورزشی زمینه‌ساز چنین محیطی به شمار می‌آید، بررسی زمینه‌های مساعد اجتماعی موجود در ورزش فوتبال را می‌توان بررسی جامعه‌شناسانه‌ای دانست که امکان شناخت عامل‌های اجتماعی مؤثر را در ورزش و خشونت فراهم می‌سازد. در این راستا، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال به رشته تحریر درآمده است.

### بیان مسأله

ورزش فوتبال به عنوان یک پدیده اجتماعی، محصول و نتیجه نظام اجتماعی و مناسبات حاکم بر همان جامعه است. با توجه به نقش و تأثیر ورزش فوتبال در اشکال مختلف زندگی اجتماعی، کارکردهای مثبت و منفی این ورزش همواره مورد توجه پژوهشگران علوم انسانی و بخصوص جامعه‌شناسان بوده است. علی‌رغم پذیرش این نکته که ورزش فوتبال دارای کارکردهای اجتماعی مثبت فراوان (از جمله: سلامت جسم و روان، کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری، احترام به قوانین و انضباط‌پذیری و تقویت روحیه ملی و ...) می‌باشد، کج روی، خشونت و پرخاشگری و مسائل اجتماعی نیز جزئی از واقعیت‌های ورزش فوتبال می‌باشد، که مطالعه و

1-Aggression

بررسی آن و کسب آگاهی نسبت به عوامل بوجود آورنده این نوع کج‌روی‌ها و مسائل، همچنین بررسی فرایند استمرار و بقای آن و در نتیجه پیامدهای مربوطه‌اش، امری مهم و ضروری است (سعادت و عباس زاده، ۱۳۹۲: ۲).

تا زمانی که ورزش به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به ارزش‌های متعالی انسانی مورد توجه قرار گیرد و خود به عنوان هدف و ارزش مطلوب انسانی تلقی نگردد، کارکردهای منفی آن نیز بروز نخواهد کرد. ولی فوتبال حرفه‌ای با در آمیختن با اقتصاد و سیاست و تبدیل شدن به یک صنعت خود به یک هدف و ارزش تبدیل شده و لذا، کارکردهای منفی آن نیز ظهور پیدا می‌کند. در ورزش فوتبال، خشونت و پرخاشگری طرفداران و هواداران به اندازه‌ای جدی و رایج است که برای جامعه نیز معضلات حادی به دنبال می‌آورد. خشونت و پرخاشگری تماشاگران و طرفداران تیم‌های فوتبال کشور به دلایلی چون حضور انبوه تماشاگران، اشتباهات داوری، تحریک هواداران تیم مقابل و عکس‌العمل‌های برخی از بازیکنان تیم حریف، در زمان برگزاری بازی‌های، خسارات جانی و مالی چشم‌گیری برای مشارکت‌کنندگان و باشگاه‌های ورزشی داشته است (سعادت و عباس زاده، ۱۳۹۲: ۵).

رفتارهای خشونت‌آمیز هواداران فوتبال، اینک نه به عنوان حادثه‌ای زودگذر و آنی، بلکه به عنوان یک مساله اجتماعی، لزوم بررسی تحقیقات جامعه‌شناختی را در خصوص آسیب‌شناسی اجتماعی در ورزش فوتبال آشکار می‌سازد. مساله‌ای که در کشور ما هنوز به طور جدی در حوزه تحقیقات جامعه‌شناختی کمتر به آن پرداخته شده است. بنابراین پژوهش حاضر با توجه به مطالب فوق، در پی پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد: اولاً؛ میزان پرخاشگری در بین هواداران فوتبال در چه حدی است؟ ثانیاً؛ چه عواملی می‌تواند در بروز پرخاشگری تماشاگران فوتبال نقش داشته باشد؟ ثالثاً؛ چه راه کارهایی را می‌توان براساس نتایج به دست آمده جهت جلوگیری و کاهش این آسیب اجتماعی ارائه نمود؟

## مبانی نظری

پرخاشگری را از نظر مفهومی، کنش و عملی در نظر گرفت که فرد یا افرادی از روی اراده و آگاهی، به منظور آسیب رسانی فیزیکی یا روحی- روانی به دیگران انجام می‌دهند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). فرهنگ آکسفورد، این کلمه را به معنای تجاوز، زیان، آسیب، شدت، خشونت، تهدید، غضب، بی‌حرمتی و اعمال زور به کار برده است و آن را عبارت از رفتاری می‌داند که سوی فردی به قصد تهدید یا آزار بدنی دیگران بروز می‌کند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۴).

همچنین، پرخاشگری را می‌توان عملی آسیب‌زا دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد بلکه ممکن است ابعاد روانی (مانند فحاشی، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و ...) و اجتماعی (مانند سلب امنیت اجتماعی، اختلال در سلامت اجتماعی و ...) را به خود می‌گیرد (اعظم‌زاده و دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۶؛ به نقل از سعادت‌ی، ۱۳۸۹).

در عرصه ورزش، نیز پرخاشگری را می‌توان مسئله‌ای اجتماعی و از آشکارترین جلوه‌های خشونت در ورزش و به خصوص در فوتبال به شمار آورد که از دهه ۱۹۶۰ و در رقابت‌های فوتبال انگلستان توجه محققان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۰).

پرخاشگری در عرصه فعالیت‌های ورزشی به شکل ابزاری و بازتابی یا کلامی و فیزیکی تجلی می‌یابد و از سوی افراد حاضر و شرکت‌کننده در رویدادهای ورزشی در قبال سایر بازیکنان، تماشاگران، مربیان، مقامات ورزشی، عامه مردم و اموال صورت می‌گیرد (رحمتی و محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۷۹). بر پایه پژوهش گابلر<sup>۱</sup>، سه نوع پرخاشگری را میان تماشاچی‌های ورزشی می‌توان از یکدیگر متمایز کرد: کلامی، غیر کلامی و بدنی. توهین‌های اهانت‌آمیز، سوت‌زدن، مسخره کردن و ... جزء پرخاشگری کلامی محسوب می‌شوند. هدف این نوع پرخاشگری، تحقیر بازیکنان و هواداران تیم حریف و داوران مسابقه است. پرخاشگری غیر کلامی تماشاگران

1-Gabler

ورزشی، پرخاشگری‌هایی همچون تهدید با مشت گره کرده و ژست‌های اهانت‌آمیز است. پرخاشگری بدنی، با دست‌های خالی یا ابزار (اشیاء پرتابی، زنجیر، چاقو و ...) اغلب علیه داوران، بازیکنان حریف و گاهی علیه پیاده‌روندگان، سایر شهروندان و بعضاً علیه پلیس استفاده می‌شود (ویس، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

هر چند پرخاشگری با توجه به تعاریف اشاره شده ممکن است در سطح فردی یا جمعی متجلی شود، می‌توان آن را فرآورده‌ای اجتماعی تلقی کرد که با الهام از عامل‌های اجتماعی متعدد در عرصه‌های گوناگون کنش اجتماعی جلوه‌گر می‌شود. مشخص‌ترین جلوه این رفتار در عرصه مسابقه‌های فوتبال اوباشگری است. در متون علمی امروز، اوباشگری یا هولیگانیزم<sup>۲</sup> شامل تخریب شروانه اموال همراه با آسیب رساندن به افراد تعریف می‌شود که گاهی با سرقت نیز همراه است و دسته یا گروه کوچکی از افراد معمولاً جوان انجام می‌دهند. گستره آسیب‌رسانی ممکن است شامل صدمه به افراد بی‌گناه یا نزاع‌ها و درگیری‌های گروهی بین خود اوباش باشد. از مشخصه‌های اوباشگری نبود خویشتنداری، شرارت‌طلبی، بی‌تفاوتی در قبال آسایش دیگران، ارتکاب اعمال جنایت‌کارانه و غیرشرافتمندانه و شوخی‌های مستهجن و خشن است. گاهی ممکن است این اوباشگری و پرخاشگری در قالب رفتار گستاخانه و جسورانه کم‌اهمیتی نیز جلوه‌گر شود. معمولاً مردم به دلیل هراس از هجوم اوباش از ظاهر شدن در محیط‌هایی که این افراد حضور دارند، خودداری می‌کنند، در این مکان‌ها، معمولاً بی‌نظمی و اغتشاش و رفتار غیرمسئولانه به چشم می‌خورد. در فضاهای ورزشی و در بین برخی تماشاگران و طرفداران فوتبال بعضاً اوباش همچون قهرمانان مورد تحسین قرار می‌گیرند، اما بطور کلی پرخاشگری و اوباشگری رفتاری ضد اجتماعی تلقی می‌شود که جامعه آن را نمی‌پذیرد (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۵).

دالارد<sup>۳</sup> و همکاران معتقدند که اگر چه ما دارای سلائق پرخاشگرایانه فطری هستیم، اما رفتار پرخاشگرایانه به وسیله ناکامی از بالقوه به بالفعل تبدیل می‌شود.

1-Weis  
2-Hooliganism  
3-Dollard

یعنی وقتی ناکام شدیم با رفتار پرخاشگرایانه واکنش نشان می‌دهیم. در واقع هرگاه کسی در تلاش برای دستیابی به هدفی ناکام بماند، سلائق پرخاشگری فعال می‌شود و این نیز به نوبه خود رفتاری را برای صدمه زدن به فرد یا شیء منبع ناکامی بر می‌انگیزد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۱). ناکامی همچنین می‌تواند عواقب دیگری به جز پرخاشگری، مانند افسردگی، واپس‌روی یا بی‌علاقه‌گی را در پی داشته باشد (ویس، ۱۳۸۹: ۲۳۳). ارونسون نیز، معتقد است پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیزی مثل خشم، درد، دمای خیلی زیاد، عدم موفقیت و ... باشد. مهم‌ترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه موقعیت‌های ملال‌انگیز، ناکامی است، بدین صورت که اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرایانه او را افزایش می‌دهد (ارونسون، ۱۳۸۷: ۲۹۴).

یکی از مهم‌ترین تئوری‌هایی که می‌تواند نقشی اساسی در تبیین رفتارهای انحرافی و به خصوص پرخاشگری داشته باشد، تئوری یادگیری اجتماعی می‌باشد. این نظریه بیان می‌کند، شیوه رفتاری که ما به نمایش می‌گذاریم در دوره کودکی آموخته می‌شود، خشونت یادگرفتنی است. انسان ذاتاً پرخاشگر نیست و این شیوه رفتاری مخصوصاً در دوران کودکی از سوی والدین، برادر و خواهر آموخته می‌شود. براساس این نظریه پرخاشگری و خشونت، رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی، تولید، بازتولید و فرا گرفته می‌شود. تعداد زیادی از مطالعات، فرضیه چرخه خشونت<sup>۱</sup> را تأیید کرده‌اند، بدین معنی که پرخاشگری و خشونت بزرگسالان نتیجه رفتارهای خشونت‌آمیزی است که آنها در دوران کودکی قربانی یا شاهد آن بوده‌اند (چیوکوس و لیته، ۲۰۰۵: ۹۸).

آلبرت بندورا<sup>۳</sup> معتقد است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در طول فرآیند الگوسازی آموخته می‌شود. او فراگیری از طریق الگوسازی را کارآمدتر از

1-Cycle of violence hypothesis

2 -Chibucos & Leite

3-Albert Bandura

یادگیری از طریق تقویت می‌داند. به اعتقاد وی فرزندان با نگاه کردن به والدین یاد می‌گیرند که چگونه خشونت نمایند. تجمع عناصر مختلفی چون رفتارهای تند، عدم توجه به اصول تربیتی و شأن اجتماعی کودکان با رفتار ناشایست والدین در خانه به معنای پیدایش الگویی از خشونت می‌باشد. خشونت نوعی صورت آموخته شده از رفتار اجتماعی است. بندورا سه الگوی مشخص خانواده، گروه‌های فرعی مانند همسالان و نهایتاً فرهنگ (از جمله وسایل ارتباط جمعی) را در یادگیری رفتار خشونت‌آمیز مورد توجه قرار می‌دهد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۰۶). مهم‌ترین عامل انتقال رفتارهای انحرافی از نظر شاو و مکی<sup>۱</sup> به عنوان بانیان نظریه خرده فرهنگ بزهکار، گروه‌های همبازی و همسالان است که فنون و معلومات و سنت‌های بزهکاری را به اعضاء منتقل می‌سازند. فرض اصلی این رویکرد، این است که کج رفتاری در جامعه و در متن گروه‌های اولیه آموخته می‌شود، علت آن به طور کلی جامعه‌پذیری نامناسب است. شرایط زمینه‌ساز آن، فرصت‌های مسدود شده، فشار، دسترسی به شیوه‌های نابهنجار تخلیه هیجان و الگوهای نقش انحرافی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۱۸).

مایرز<sup>۲</sup> نیز، با اشاره به این که تلویزیون و سایر رسانه‌های جمعی نظیر ماهواره، اینترنت، مطبوعات در مقایسه با خانواده و گروه همسالان گستره وسیع‌تری از الگوهای خشونت‌آمیز را نمایش می‌دهند، بر این باور تأکید دارد که مشاهده خشونت در تلویزیون به افزایش پرخاشگری و ایجاد بی‌عاطفگی بین بینندگان می‌انجامد (مایرز، ۱۹۹۴: ۲۵۱). برایانت و زیلمن<sup>۳</sup> اشاره کردند که تولیدات رسانه‌ای به سه طریق اشتیاق به خشونت و پرخاشگری را افزایش می‌دهد: اول از طریق نشان دادن تعداد زیاد بازی‌های خشونت‌آمیز، مثلاً موارد خشونت‌آمیز ورزشی که از طریق تلویزیون به نمایش در می‌آید. دوم، از طریق بسیاری از مجلاتی که خشونت را با زرق و برق نشان می‌دهند. و سرانجام، تبلیغات برنامه‌های تلویزیونی که اغلب

1- Shaw & Mackay

2 -Myers

3 -Bryant & Zilman



بر اساس وقایع خشونت‌آمیز رقابت‌های ورزشی گذشته صورت می‌پذیرد تا بدین وسیله بینندگان را به دیدن برنامه‌هایشان تشویق و تهییج کنند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۹). مطابق با نظریه یادگیری والترز<sup>۱</sup>، گرایش به رفتارهای پر خاشکرایانه در میان تماشاگران به هنگام تماشای مسابقات ورزشی افزایش می‌یابد. این گزاره به ویژه در مورد آن گروه از تماشاگرانی صادق است که بر اساس نظام هنجاری خرده فرهنگ خود، رفتارهای خشن را مثبت ارزیابی می‌کنند (ویس، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

مطابق نظریه کنترل اجتماعی برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهانی دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف‌ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی کمی می‌داند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۶). نظریه کنترل اجتماعی چنین فرض می‌کند که اعمال مجرمانه زمانی ارتکاب می‌یابند که پیوند فرد با جامعه سست یا شکسته می‌شود. نقض یک هنجار، رفتار متعارض با خواسته‌ها و انتظارات اعضای جامعه است. اگر شخص چنین انتظاراتی را نادیده بگیرد به این معنی است که او نسبت به خواسته‌های اعضای جامعه حساسیتی ندارد (هیرشی<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹: ۲۵۳).

تراویس هیرشی به عنوان یکی از بنیان‌تئوری کنترل اجتماعی معتقد است است حلقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مثل زناشویی، دوستی، همکار بودن و... نقش کنترل‌کننده عمده‌ای را در عدم ارتکاب جرم ایفاء می‌کنند. هر قدر که این روابط و دلبستگی‌های فرد ضعیف باشد استعداد افراد برای ارتکاب جرم بیشتر است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). درکل، می‌توان گفت که هیرشی در بررسی انواع انحرافات بر این ایده تأکید دارد که رفتار انحرافی را باید بر مبنای پیوستگی‌هایی مورد بررسی قرار داد که فرد با نهادهای اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، همسالان و

1- Walterz

2- Hirschi

دیگر نهادها، سازمان‌ها، و واحدهای اجتماعی جامعه دارد. بزهکاری، پرخاشگری، وندالیسم و ... وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف و یا به کلی از بین رود. او فرد منحرف را شخصی می‌داند که از قیود اجتماعی آزاد است و به قیدوبندهای اجتماعی کم اعتنا یا بی‌اعتناست (مشکاتی و مشکاتی، ۱۳۸۱: ۱۰). بودین<sup>۱</sup> و همکاران نیز در تحقیقات و پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که اجرا نشدن ضوابط و قوانین مربوط به کنترل اوباشگری در ورزش فوتبال منجر به افزایش رفتارهای پرخاشگرایانه در بین تماشاگران شده است. اما هر زمانی که پلیس شرایط انعطاف‌ناپذیری را بر علیه هوادارانی که مرتکب خشونت می‌شوند در پیش گرفته و اقدام به سازماندهی کرده است، تهدیدی جدی برای جلوگیری از عملکردهای خشونت‌ناهی وجود آمده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

یکی دیگر از متغیرهای مورد بحث در پژوهش حاضر تحریک و عملکرد رسانه‌های جمعی می‌باشد. رسانه‌ها منبع اصلی اندیشه‌ها و اطلاعات هستند و می‌توانند نفوذ زیادی بر نگرش‌ها، عقاید و رفتار مردم داشته باشد، رسانه‌ها افزون بر این، از طریق فرایندهای هنجارسازی و تصویرسازی به نظارت اجتماعی می‌پردازند. رسانه‌ها معمولاً تقویت‌کننده رفتارهای همساز و یا در مواردی ناهم‌ساز هستند (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۷۲-۲۷۱). از دیدگاه تسوکالا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، یا برچسب‌هایی که رسانه‌های همگانی به هواداران و تماشاگران خشونت‌طلب می‌زنند در حقیقت خودشان، به پرخاشگری‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز دامن می‌زنند. به طور مثال در بسیاری از رسانه‌ها این تماشاگران با عناوینی همچون احمق‌ها، بی‌فکرها، کسانی که مخشان تاب برداشته است، ساده لوح‌ها، ناقص‌العقل‌ها، آدم‌های خرف و آدمکش‌های مستی که تحت تأثیر داروها هستند، یاد می‌شود. به اعتقاد وی، همچنین برخی از سردبیران و ستون‌نویسان روزنامه‌ها اوضاع را وخیم‌تر می‌کنند، بدان سبب که یک نقش منفی بازی می‌کند و به جای نقش بازدارنده خشونت و اوباشگری را داشته

1- Bodin

2- Tsoukala

باشند، در جهت معکوس عمل می‌کنند و به مسایل موجود دامن می‌زنند(قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

به عقیده میشل فوکو<sup>۱</sup> نیز، فیلم‌های مدرن با استفاده از نمایش صحنه‌ها و وقایع به شرح وقایع می‌پردازند، برای مثال دیدن وقایع برنامه‌های ورزشی، حواشی مسابقات، خشونت و پرخاشگری‌ها، سوگیری‌ها، هیجانات تماشاگران و ... و ضبط و پخش مکرر پشت صحنه و به نمایش درآوردن درون پنهان آنها. این صحنه‌ها با جزئیات دقیق، موجب ایجاد احساسات شدید در بیننده می‌گردند: مانند نمایش ورزشکاران پیروز در میدان، درد ناشی از مجروح شدن یک ورزشکار، برخوردهای فیزیکی میان شرکت‌کنندگان، پرخاشگری و خشونت تماشاگران و ناراحتی تماشاچیان هنگام باخت تیم مورد علاقه‌شان در مسابقه(جیولیانونی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

محققین مکتب لیسستر<sup>۲</sup> نیز، به موازات پرداختن به اهمیت رسانه‌ها، در توجه به مساله پرخاشگری، به نقش پلیس و نیروی انتظامی نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند، مورفی معتقد است که با افزایش اوباشگری در فوتبال، پلیس یکپارچه‌تر عمل می‌کند و به طور گسترده‌ای اقدام به سازماندهی خود می‌نماید. آنها برای جلوگیری از افزایش خشونت و پرخاشگری تصمیمات مختلفی اتخاذ می‌کنند، از جمله: استفاده از طور گرداگرد زمین، تغییر جایگاه برخی از تماشاگران، شناسایی کارت‌ها و استفاده از وسایل هوشمند و دوربین‌های مدار بسته. این اقدامات پلیس علی‌رغم این که نقش بسزایی در کنترل اوباشگری دارد اما می‌تواند نتایج معکوسی هم داشته باشد، زیرا ممکن است اقدامات شدید امنیتی سبب شود که اوباشگران نیز اقدام به سازماندهی بیشتر کنند و راه‌های جدیدتری را برای اعمال خشونت بیابند. تاریخچه جامعه‌شناختی در مورد خشونت حامیانی که مخل نظم بوده‌اند نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های حجیم و سختگیرانه ممکن است تأثیر معکوس داشته باشد(پوتوارا و پریکس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۲، اسپایچ، ۲۰۰۶: ۴).

1-Michel Foucault  
2- Leicester School  
3- poutvaara & priks

### پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش پرورش و همکاران (۱۳۹۴)، تحت عنوان «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی-فرهنگی و ارتکاب به جرم در بین مراجعه‌کنندگان به مراجع قضایی شهر اصفهان» بیان‌گر آن است که بین کنترل خانواده و نقش دوستان و همسالان با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد (پرورش و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳).

همچنین نتایج پژوهش فتحی و میرمقدم (۱۳۹۴)، تحت عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش میزان جرایم (مورد مطالعه: جوانان شهرستان شهریار)» حاکی از آن است که بین اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، تعامل گروهی، مشارکت اجتماعی با کاهش میزان جرایم رابطه منفی و معناداری وجود دارد (فتحی و میرمقدم، ۱۳۹۴: ۱).

یافته‌های پژوهش راسخ و عباسی نصرآباد سفلی (۱۳۹۳)، با عنوان «عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش به خرابکاری (مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی شهر یاسوج)» حاکی از آن است که، متغیرهای جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، احساس تنفر از خویشان، احساس انزوای اجتماعی، رابطه معناداری با گرایش به رفتار وندالیستی دارند و قادر هستند ۱۰/۳۷٪ از تغییرات آن را تبیین کنند (راسخ و عباسی، ۱۳۹۳: ۱).

نتایج پژوهش احمدی و عربی (۱۳۹۲)، تحت عنوان «رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج)» نشان داد که بین متغیرهای تعلق خاطر به محله، روابط همسایگی، بی‌نظمی فیزیکی، بی‌نظمی اجتماعی، تنوع قومیتی محله سکونت و رضایت از پلیس با ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۳۷).

بخشی از نتایج پژوهش نقدی (۱۳۹۱)، تحت عنوان «بررسی تأثیر هنجارهای اخلاقی و تربیتی بر خشونت جوانان»، نشان داد که بین نقش و نظارت خانواده با وقوع خشونت جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد (نقدی، ۱۳۹۱: ۷).

قاسمی و همکاران (۱۳۸۸) طی پژوهشی تحت عنوان «توصیف جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال»، به این نتایج دست یافتند: متغیرهای چون، از هم گسیختگی روانی خانواده، تأثیرپذیری از گروه همسالان، تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز، کنترل پلیس، تحریک مطبوعات و رسانه‌های ورزشی با متغیرهای وندالیسم و اوباشگری رابطه معنی‌داری دارند و متغیرهای مذکور توانسته‌اند ۸۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۹).

نتایج پژوهش رحیمی (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در خشونت و پرخشگری تماشاگران فوتبال از دیدگاه مدیران و مربیان باشگاه‌های شهر تهران»، نشان داد که: ناکامی در رسیدن به اهداف مورد نظر از قبیل (عملکرد بازیکنان، عملکرد مربیان، نحوه قضاوت داور)، عدم امکانات رفاهی، نقش رسانه و مطبوعات جمعی، سن، با پرخشگری تماشاگران رابطه معنی‌داری داشته است (رحیمی، ۱۳۸۸: ۳).

بخشی از نتایج پژوهش وثوقی و خسروی نژاد (۱۳۸۸) تحت عنوان «بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی رفتار هیجانی تماشاگران فوتبال» نشان داد: قضاوت نادرست داور، عملکرد پلیس، تحریک رسانه‌ها، رابطه معنی‌داری با پرخشگری تماشاگران حاضر در ورزشگاه داشته است (وثوقی و خسروی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

نتایج پژوهش ذوالاکتاف تحت عنوان «مدیریت تجمع‌های خیابانی پس از تماشای تلویزیونی فوتبال» و نیز «مدیریت تماشاگران و کنترل اوباشگری در ورزش فوتبال» حاکی از آن است که حوادث فوق تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله: تضعیف روحیه ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، اعتماد به نیروهای انتظامی و عوامل اجرایی مسابقات، برای جوانان و تحریک رسانه می‌باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

پژوهش دیگری توسط رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰) تحت عنوان «بررسی عامل‌های جامعه‌شناختی خشونت و پرخشگری تماشاگران فوتبال، مطالعه موردی: شهر تهران» بخشی از نتایج پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای کیفیت داوری،

سابقه دعوا و نزاع، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت‌های تحصیلی و آموزشی، سابقه تنش در خانواده، سابقه رفتار مجرمانه، داشتن دوستان و همسالان دارای سابقه جنایی، ارتباط با خویشاوندان دارای سابقه جنایی، تأثیری مستقیم بر ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت‌آمیز ورزشی طرفداران تیم‌های پرسپولیس و استقلال داشت. همچنین، متغیرهای سن، میزان کنترل و نظارت خانواده، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیم‌های فوتبال مورد علاقه به رفتارهای پرخاشجویانه داشته است (رحمتی و محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۷۸).

نتایج پژوهش دابلیو راشل<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) با عنوان «آشوب‌های ورزشی: مروری اجتماعی - روانشناختی» نشان داد که مجموعه‌ای از متغیرهای موقعیتی، محیطی، اجتماعی (خانواده، همسالان و ...) و ذهنی در بروز خشونت تماشاگران دخالت دارند (دابلیو راشل، ۲۰۰۴: ۳۵۳).

کوراکیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) طی پژوهشی پیرامون خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال، به این نتایج دست یافت که بین متغیرهای عدم انسجام خانواده، اشتباهات داوری، نگرش تحریک برانگیز پلیس به تماشاگران، تحریکات مطبوعات و رسانه‌ها با پرخاشگری تماشاگران رابطه مستقیمی داشتند (کوراکیس، ۲۰۰۴: ۲۹۳).

نتایج تحقیقات جیولیانونی حول پرخاشگری و خشونت فوتبال اسکاتلند بیانگر رابطه معنی‌دار بین عواملی چون قوم‌گرایی، نارضایتی از عملکرد داوران، عملکرد مطبوعات و رسانه‌ها، عوامل خانوادگی نظیر ارتباط با والدین، ارتباط با خرده فرهنگ‌های بزهکار و اوباش، با متغیر پرخاشگری می‌باشد (جیولیانونی، ۱۹۹۹: ۲۲).

وادینگتون و همکاران (۱۹۹۸) ترکیب اجتماعی تماشاگران فوتبال در اروپای غربی را بررسی نمودند. هدف این مطالعه پی بردن به جزئیات مربوط به سن، جنسیت، شغل و زمینه قومیتی طرفداران بود. نتایج به دست آمده نشان داد که متغیر کنترل

1-W.Russell

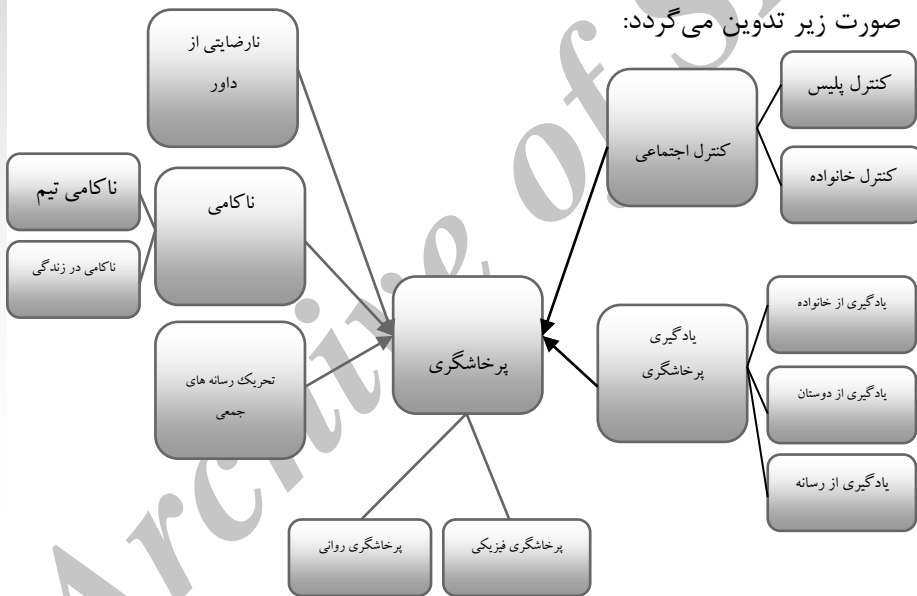
2- Corakis

اجتماعی تأثیر بسزایی در پر خاشگری تماشاگران داشته است (وادینگتون و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۵۵).

تنبام و سینگر (۱۹۹۷) در پژوهش خود با عنوان «پر خاشگری و خشونت در ورزش» به این نتیجه رسیدند که تولیدات رسانه‌ای، جنجال‌سازی مطبوعات، رفتار ناشایست داوران تیم‌های ورزشی و عکس‌العمل‌های خشونت‌آمیز پلیس از عوامل مهم پر خاشگری و خشونت تماشاگران هستند (تنبام و سینگر، ۱۹۹۷: ۱۴۶).

### مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مباحث نظری و پیشینه تجربی مذکور، مدل مفهومی پژوهش حاضر به صورت زیر تدوین می‌گردد:



شکل شماره (۱): مدل مفهومی پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مذکور حول موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های پژوهش حاضر به صورت زیر طرح شده است:

- بین یادگیری پرخاشگری و پرخاشگری تماشاگران فوتبال رابطه وجود دارد.
- بین کنترل اجتماعی و پرخاشگری تماشاگران فوتبال رابطه وجود دارد.
- بین نارضایتی از عملکرد داور مسابقه و پرخاشگری تماشاگران فوتبال رابطه وجود دارد.
- بین تحریک رسانه‌های جمعی و پرخاشگری تماشاگران فوتبال رابطه وجود دارد.
- بین ناکامی در رسیدن به اهداف و پرخاشگری تماشاگران فوتبال رابطه وجود دارد.

### روش شناسی پژوهش

روش پژوهش به کار رفته در این پژوهش، براساس هدف پژوهش، از نوع کاربردی و براساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. همچنین از لحاظ میزان ژرفایی پنهانگر بوده و با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است. جامعه آماری در این پژوهش، شامل کلیه تماشاگران فوتبال حاضر در یکی از ورزشگاه‌های کشور، بالغ بر تعداد ۷۰۰۰۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۴۰۰ نفر براساس فرمول نمونه‌گیری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری هدفمند جهت گردآوری داده‌ها انتخاب شده است. در بخش کیفیت وسیله اندازه‌گیری، بررسی اعتبار<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> وسیله اندازه‌گیری از مقولات اساسی است. به این صورت که برای ارزیابی پایایی وسیله اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. مقدار ضرایب حاصله بالاتر از ۰/۶ بوده که این امر نشان می‌دهد پایداری درونی بین گویه‌ها در حد قابل قبولی بوده است. همچنین، برای ارزیابی اعتبار وسیله اندازه‌گیری از اعتبار محتوایی<sup>۳</sup> و اعتبار سازه‌ای<sup>۴</sup> استفاده گردید؛ بدین معنی که برای ارزیابی اعتبار ابزار اندازه‌گیری هم از نظر افراد صاحب فن برای بررسی فضای مفهومی استفاده گردید. همچنین، برای ارزیابی اعتبار گویه‌های مرتبط با متغیرهای کنترل اجتماعی، یادگیری پرخاشگری،

---

1- Validity  
2- Reliability  
3- Reliability  
4- Construct



ناکامی و متغیر وابسته پژوهش (پرخاشگری)، از تکنیک تحلیل عاملی<sup>۱</sup> استفاده شد. با استفاده از تکنیک مذکور زیر مجموعه‌های مرتبط با یک بُعد و تعداد عوامل قابل قبول با استفاده از مقادیر ویژه<sup>۲</sup> مشخص گردید. معنی‌داری آزمون بارتلت<sup>۳</sup> (Sig=۰/۰۰۰) و نتایج آزمون آمار Kmo<sup>۴</sup>، برای ابعاد مذکور، نشان می‌دهد که ایده تحلیل عاملی برای گویه‌های مورد نظر، ایده مطلوبی بوده و تعداد نمونه انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی، کافی و مناسب می‌باشد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- نتایج و اجزاء تحلیل عاملی گویه‌ها و ضریب پایایی متغیرهای مستقل

پژوهش

| متغیر         | ابعاد         | گویه‌ها             | بار عاملی | واریانس تبیین شده | مقادیر ویژه | کل واریانس تبیین شده | آزمون بارتلت | آزمون kmo | ضریب پایایی هر عامل | ضریب پایایی کل |
|---------------|---------------|---------------------|-----------|-------------------|-------------|----------------------|--------------|-----------|---------------------|----------------|
| کنترل اجتماعی | کنترل خانواده | شناخت دوستان        | ۰/۴۸۱     | ۱۷/۶۴             | ۱/۴۱۲       | %۵۴/۷۸               | ۹۵/۷۳۴       | ۰/۷۴۴     | ۰/۶۰۹               | ۰/۷۰۳          |
|               |               | اطلاع والدین از کار | ۰/۷۹۱     |                   |             |                      |              |           |                     |                |
|               |               | نگران شدن والدین    | ۰/۷۶۱     |                   |             |                      |              |           |                     |                |
|               | کنترل پلیس    | حضور در ورزشگاه     | ۰/۷۵۴     | ۳۷/۱۳             | ۲/۹۷۱       |                      |              |           |                     |                |
|               |               | حفظ نظم ورزشگاه     | ۰/۸۲۶     |                   |             |                      |              |           |                     |                |
|               |               | فوتبال بدون آشوب    | ۰/۷۴۹     |                   |             |                      |              |           |                     |                |
|               |               | امکان ناپذیری بازی  | ۰/۳۳۱     |                   |             |                      |              |           |                     |                |

- 1- Factor Analysis
- 2- Eigen Value
- 3- Bartlett Test
- 4- Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

|       |       |       |         |        |       |       |       |                      |                    |                  |
|-------|-------|-------|---------|--------|-------|-------|-------|----------------------|--------------------|------------------|
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۸۱۳ | کمک از پلیس          |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۸۴ | لذت از مطالب خشن     |                    |                  |
|       | ۱/۸۵۶ |       |         |        | ۳/۷۶۸ | ۲۶/۹۱ | ۱/۸۶۶ | توصیه فیلم خشن       | یادگیری از رسانه   |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۸۸۰ | ارزش فیلم خشونت بار  |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۷۴ | دیدن فیلم خشن        |                    |                  |
| ۱/۶۹۶ | ۱/۶۶۶ | ۰/۶۳۹ | ۲۵۸/۳۸۴ | ٪۵۶/۵۵ | ۲/۴۳۵ | ۱۷/۳۹ | ۱/۵۷۰ | درگیری والدین        | یادگیری از خانواده | یادگیری پرخاشگری |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۶۶۴ | رفتار نامناسب پدر    |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۷۱ | رفتار نامناسب مادر   |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۶۳ | دعوی اعضاء           |                    |                  |
|       | ۱/۶۰۱ |       |         |        | ۱/۷۱۵ | ۱۲/۲۵ | ۱/۶۸۴ | تشویق به دعوا        | یادگیری از دوستان  |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۶۶۴ | ناراحتی دوستان       |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۱۷ | قهر دوستان           |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۵۰۶ | دعوی دوستان          |                    |                  |
| ۱/۷۳۲ | ۱/۷۹۳ | ۱/۷۲۱ | ۳۳۶/۲۸۴ | ٪۴۴/۵۸ | ۳/۲۵۵ | ۲۵/۰۴ | ۱/۸۰۹ | عقب ماندن از همسالان | ناکامی در زندگی    | ناکامی           |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۲۶ | کمبود محبت           |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۷۸۴ | موفق نبودن در زندگی  |                    |                  |
|       |       |       |         |        |       |       | ۱/۶۲۳ | استفاده              |                    |                  |

|       |       |   |   |   |       |       |                       |                   |                       |                    |
|-------|-------|---|---|---|-------|-------|-----------------------|-------------------|-----------------------|--------------------|
|       |       |   |   |   |       |       |                       | نکردن فرصتها      |                       |                    |
|       |       |   |   |   |       |       |                       | تحمل ناپذیری شکست | ناکامی تیم مورد علاقه |                    |
|       | ۱/۷۱۷ |   |   |   | ۲/۵۴۱ | ۱۹/۵۴ | ناامید کردن نتایج تیم |                   |                       |                    |
|       |       |   |   |   |       |       | بار سنگین شکست تیم    |                   |                       |                    |
|       |       |   |   |   |       |       | دلگیری از شکست تیم    |                   |                       |                    |
| ۱/۶۸۷ | -     | - | - | - | -     | -     | -                     | -                 | -                     | نارضایتی از داوران |
| ۱/۶۷۷ | -     | - | - | - | -     | -     | -                     | -                 | -                     | تحریک رسانه‌ها     |

تحلیل عاملی حاکی از برآورد اعتبار متغیر پر خاشگری نیز نشان می‌دهد که بُعد پر خاشگری روانی ۹/۴۶ درصد واریانس و بُعد فیزیکی پر خاشگری ۴۶/۷۳ درصد واریانس گویه‌ها را تبیین نموده است. نتایج حاصل از بکارگیری تکنیک آلفای کرونباخ نیز بیان‌گر پایایی و همبستگی درونی بسیار بالایی بین گویه‌های هر یک از این دو عامل می‌باشد (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲- نتایج و اجزاء تحلیل عاملی گویه‌ها و ضریب پایایی هر یک از ابعاد

متغیر وابسته پرخاشگری

| ضریب پایایی کل | ضریب پایایی هر عامل      | آزمون kmo | آزمون بارتلت | کل واریانس تبیین شده | مقادیر ویژه | درصد واریانس تبیین شده | بار عاملی               | گویه‌ها               | ابعاد          | متغیر    |
|----------------|--------------------------|-----------|--------------|----------------------|-------------|------------------------|-------------------------|-----------------------|----------------|----------|
| /۹۵۰           | /۹۱۰                     | /۷۸۸      | ۱۳۳۱/۴۲۴     | ٪۵۶/۳۰               | ۱۳۰/۸۶      | ۴۶/۷۲                  | ۱/۶۹۸                   | فحش به داور           | پرخاشگری روانی | پرخاشگری |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۵۳۲                   | بهم زدن تمرکز داور    |                |          |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۷۵۵                   | فحش به بازیکنان حریف  |                |          |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۶۶۹                   | فحش به مربی تیم حریف  |                |          |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۶۷۲                   | فحش به هواداران مقابل |                |          |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۸۱۲                   | ایجاد صدای دلخراش     |                |          |
|                |                          |           |              |                      |             |                        | ۱/۷۶۷                   | سپو صدا در خیابان     |                |          |
|                | ۱/۷۸۰                    |           |              |                      |             |                        | شعار زشت در خیابان      |                       |                |          |
|                | ۱/۶۷۵                    |           |              |                      |             |                        | زدن بوق زیاد            | پرخاشگری فیزیکی       |                |          |
|                | ۱/۶۷۱                    |           |              |                      |             |                        | تخریب اموال عمومی       |                       |                |          |
|                | ۱/۵۸۰                    |           |              |                      |             |                        | درگیری در شهر           |                       |                |          |
|                | ۱/۶۶۲                    |           |              |                      |             |                        | مزاحمت در رفت و آمد     |                       |                |          |
|                | ۱/۵۰۳                    |           |              |                      |             |                        | شوخی زشت در خیابان      |                       |                |          |
|                | ۱/۶۳۰                    |           |              |                      |             |                        | حرکات ناهنجار یا ماشینی |                       |                |          |
| ۱/۷۳۶          | شکستن صندلی              |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۷۵۳          | پرت اشیاء به تیم حریف    |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۶۱۵          | پرت کردن اشیاء به داور   |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۷۵۷          | پرت اشیاء به مربی مقابل  |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۸۲۰          | پرت اشیاء به همدیگر      |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۵۵۵          | آتش در کنار صندلی        |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۸۰۱          | درگیری با هواداران مقابل |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۸۱۸          | تخریب اموال ورزشگاه      |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |
| ۱/۶۰۳          | بی نظمی ورود و خروج      |           |              |                      |             |                        |                         |                       |                |          |

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

الف: متغیرهای مستقل پژوهش

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، میانگین شاخص کنترل اجتماعی (۲۷/۰۶) با توجه به مقدار متوسط به دست آمده (۲۴/۵)، در حد متوسط رو به بالایی قرار دارد. میانگین شاخص یادگیری پرخاشگری (۲۸/۹۲) با توجه به مقدار متوسط به دست

آمده (۳۲/۵)، در حد متوسط روبه پایینی قرار دارد. میانگین متغیر ناکامی (۲۲/۹۱)، با در نظر گرفتن حداکثر ۳۶ و حداقل ۸ و با توجه به مقدار متوسط (۲۲)، در حد متوسط رو به بالایی برآورد شده است. میانگین شاخص نارضایتی از عملکرد داور، با در نظر گرفتن ماکزیمم ۱۹ و مینیمم ۵ و با توجه به مقدار متوسط به دست آمده (۱۲)، در حد متوسط رو به بالایی قرار دارد. همچنین، براساس آماره‌های توصیفی به دست آمده، میانگین شاخص تحریک رسانه‌های جمعی، با توجه به حداکثر ۲۵ و حداقل ۸ و با در نظر گرفتن مقدار متوسط (۱۶/۵)، تقریباً در حد متوسطی برآورد شده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳- آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل پژوهش

| متغیر                     | میانگین | انحراف معیار | چولگی | ماکزیمم | مینیمم | دامنه تغییرات | مقدار متوسط |
|---------------------------|---------|--------------|-------|---------|--------|---------------|-------------|
| کنترل اجتماعی             | ۶۲۷/۰   | ۴/۱۶         | -۴۵   | ۳۵      | ۱۴     | ۲۱            | ۲۴/۵        |
| یادگیری پر خاشگری         | ۲۸/۹۲   | ۷/۲۱         | /۵۷   | ۵۳      | ۱۲     | ۴۱            | ۳۲/۵        |
| ناکامی                    | ۲۲/۹۱   | ۴/۳۷         | /۱۴   | ۳۶      | ۸      | ۲۸            | ۲۲          |
| نارضایتی از عملکرد داوران | ۶۰۱۲/   | ۲/۷۲         | -۰۸   | ۱۹      | ۵      | ۱۴            | ۱۲          |
| تحریک رسانه‌های جمعی      | ۱۶/۱۰   | ۳/۱۴         | /۱۲   | ۲۵      | ۸      | ۱۷            | ۱۶/۵        |

### ب) متغیر وابسته پژوهش

در پژوهش حاضر، متغیر وابسته پر خاشگری تماشاگران در دو بُعد (پر خاشگری روانی و پر خاشگری فیزیکی) در قالب طیف لیکرت و جمعا با ۲۳ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. آماره‌های توصیفی به دست آمده برای هر یک از ابعاد و شاخص پر خاشگری به شرح زیر می‌باشد:

میانگین متغیر پر خاشگری روانی (۲۷/۲۴)، با توجه به حداکثر ۴۰ و حداقل ۹، و با در نظر گرفتن مقدار متوسط به دست آمده، بالاتر از حد متوسط می‌باشد؛ میانگین به دست آمده برای پر خاشگری فیزیکی (۳۵/۱۹) با توجه به مقدار متوسط به دست آمده (۴۱)، پایین‌تر از حد متوسط برآورد شده است؛ میانگین حاصل برای متغیر پر خاشگری بطور کلی (۶۲/۴۳)، با توجه به ماکزیمم ۹۸ و مینیمم ۲۳، و با در نظر

گرفتن مقدار متوسط به دست آمده (۶۰/۵)، در حد متوسط رو به بالایی قرار دارد، بدین معنی که پرخاشگری در بین تماشاگران فوتبال در حد متوسط رو به بالایی برآورد شده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴- آماره های توصیفی ابعاد متغیر پرخاشگری تماشاگران

| مقدار متوسط | دامنه تغییرات | مینیمم | ماکزیمم | چولگی | انحراف معیار | میانگین | ابعاد           |
|-------------|---------------|--------|---------|-------|--------------|---------|-----------------|
| 24/5        | 31            | 9      | 40      | -/48  | 6/36         | 27/24   | پرخاشگری روانی  |
| 41          | 54            | 14     | 68      | /17   | 10/29        | 35/19   | پرخاشگری فیزیکی |
| 60/5        | 75            | 23     | 98      | -/17  | 15/06        | 362/4   | پرخاشگری        |

### یافته های استنباطی

#### آزمون همبستگی

جهت سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش با توجه به سطح سنجش آنها ( سطح سنجش فاصله ای) از ضریب همبستگی  $r$  پیروان استفاده شد.

- نتایج حاصل از آزمون همبستگی کنترل اجتماعی در ابعاد دوگانه (کنترل خانواده و کنترل پلیس) و پرخاشگری بدین قرار می باشد: رابطه خطی بین بُعد کنترل خانواده با هیچ یک از ابعاد پرخاشگری به تأیید نرسید؛ همبستگی خطی بین بُعد کنترل پلیس با پرخاشگری روانی در سطح معنی داری ۰/۰۵ و با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معنی داری ۰/۰۱ مورد تأیید واقع شد؛ نوع رابطه نیز منفی و معکوس می باشد، بدین نحو که با کاهش کنترل پلیس، پرخاشگری افزایش می یابد، عکس این موضوع نیز صادق است؛ رابطه خطی بین کنترل اجتماعی کل با هیچ یک از ابعاد پرخاشگری به تأیید نرسید.

- نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیروان بین متغیر یادگیری پرخاشگری در ابعاد سه گانه و پرخاشگری تماشاگران نشان داد: رابطه خطی بین بُعد یادگیری پرخاشگری در خانواده با پرخاشگری روانی تأیید نشد؛ ولی همبستگی این بُعد با

پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل در سطح معنی‌داری ۰/۵ به تأیید رسید و نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، به این معنی که هر چه یادگیری پرخاشگری در خانواده بیشتر باشد، پرخاشگری در بین تماشاگران بالاتر خواهد بود، عکس این موضوع نیز صادق می‌باشد؛ همبستگی بین یادگیری پرخاشگری از دوستان با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل به تأیید رسید و نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد؛ به عبارتی هر چه یادگیری پرخاشگری از سوی دوستان بیشتر باشد، پرخاشگری در بین هواداران نیز بیشتر خواهد بود؛ رابطه خطی بین یادگیری پرخاشگری از رسانه‌های جمعی با تمامی ابعاد پرخاشگری و نیز پرخاشگری کل مورد تأیید واقع شد؛ نوع رابطه نیز مستقیم و مثبت می‌باشد، بنابراین، با افزایش یادگیری پرخاشگری از رسانه‌های جمعی، پرخاشگری در بین تماشاگران بیشتر خواهد بود و بر عکس؛ همبستگی خطی بین متغیر یادگیری پرخاشگری با دو بُعد پرخاشگری و پرخاشگری کل در سطح معنی‌داری ۰/۱ و با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد؛ نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، به این معنی که هر چه یادگیری پرخاشگری افزایش یابد، پرخاشگری از سوی تماشاگران نیز بیشتر خواهد بود؛ شدت همبستگی این متغیر نیز، با پرخاشگری فیزیکی در حد متوسطی برآورد شده است.

- نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین متغیر ناکامی با دو بُعد ناکامی در زندگی و ناکامی تیم مورد علاقه) و پرخاشگری تماشاگران حاکی از آن است: رابطه خطی بین ناکامی در زندگی با پرخاشگری روانی در سطح معنی‌داری ۰/۵ و رابطه آن با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل در سطح معنی‌داری ۰/۱ به تأیید رسید؛ نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد؛ به این معنی که هر چه افراد در طول زندگی در رسیدن به اهداف مورد نظر دچار ناکامی شوند، پرخاشگری در بین آنان بالاتر خواهد بود؛ همبستگی بین بعد ناکامی تیم مورد علاقه با هیچ یک از ابعاد پرخاشگری به تأیید نرسید؛ همبستگی خطی بین ناکامی و پرخاشگری روانی در سطح معنی‌داری ۰/۵ و با اطمینان ۹۵ درصد به تأیید رسید؛ همچنین رابطه این متغیر با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل در سطح معنی‌داری ۰/۱ و با اطمینان ۹۹ درصد مورد

تأیید واقع شد؛ نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، به عبارتی با افزایش ناکامی، پرخاشگری نیز افزایش پیدا می‌کند.

- رابطه خطی بین متغیر عملکرد داوران با پرخاشگری روانی در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ و با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ مورد تأیید واقع شد؛ نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، به این نحو که با افزایش اشتباهات و سوگیری‌های مغرضانه، پرخاشگری تماشاگران نیز افزایش می‌یابد.

- همبستگی خطی بین متغیر تحریک رسانه‌های جمعی با تمامی ابعاد پرخاشگری و نیز پرخاشگری کل با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ به تأیید رسید؛ نوع رابطه نیز مثبت و مستقیم می‌باشد، به این صورت که هر چه رسانه‌های جمعی سوگیرانه و مغرضانه عمل نمایند، پرخاشگری تماشاگران بیشتر می‌شود، عکس این موضوع نیز صادق بوده و مورد تأیید می‌باشد (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

| متغیر                              | پرخاشگری روانی | پرخاشگری فیزیکی | پرخاشگری کل |
|------------------------------------|----------------|-----------------|-------------|
| کنترل خانواده                      | ***/۰۱۲        | ***/۰۸۹         | ***/۰۶۸     |
| کنترل پلیس                         | *-/۱۱۶         | **-/۱۳۸         | **-/۱۴۲     |
| کنترل اجتماعی                      | ***/-۰۸۴       | ***/-۰۷۱        | ***/-۰۸۳    |
| یادگیری پرخاشگری در خانواده        | ***/۰۳۶        | ***/۲۵۹         | ***/۱۸۸     |
| یادگیری پرخاشگری از دوستان         | ***/۰۷۷        | ***/۱۸۰         | ***/۱۵۲     |
| یادگیری پرخاشگری از رسانه‌های جمعی | ***/۲۲۲        | ***/۲۶۸         | ***/۲۷۴     |
| یادگیری پرخاشگری                   | ***/۱۴۵        | ***/۳۱۵         | ***/۲۷۱     |
| ناکامی در زندگی                    | *//۱۱۷         | **//۲۳۶         | **//۲۰۷     |
| ناکامی تیم مورد علاقه              | ***/۰۴۲        | ***/۰۸۴         | ***/۰۷۴     |
| ناکامی                             | *//۱۱۳         | **//۲۲۱         | **//۱۹۶     |
| نارضایتی از عملکرد داوران          | *//۱۱۹         | **//۱۵۵         | **//۱۵۶     |
| تحریک رسانه‌های جمعی               | **//۱۷۳        | **//۱۹۷         | **//۲۰۶     |

\*\*/ معنی داری در سطح ۰/۰۱ / \* معنی داری در سطح ۰/۰۵ / \*\*\*/ عدم معنی داری



### تحلیل رگرسیونی چند متغیره

در پژوهش حاضر، جهت سنجش تأثیر متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای بر متغیر وابسته پر خاشگری از تحلیل رگرسیون استفاده گردید، هدف اصلی از این تحلیل، تبیین واریانس یا همان تغییرات متغیر وابسته پر خاشگری می‌باشد. نتایج نشان داد:

- در پژوهش حاضر براساس جدول آنالیز واریانس، خطی بودن رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته محقق شده است. همچنین استقلال خطاها از همدیگر موضوع مهم دیگری در تجزیه رگرسیونی بوده که این امر هم براساس میزان دوربین و اتسون بدست آمده (بین ۱/۵ و ۲/۵) مشخص شده است؛ منظور این که میزان دوربین و اتسون به دست آمده برای مدل نشان‌دهنده این است که باقی مانده‌ها، مستقل از هم می‌باشند. مورد سوم این که، همچنین پیش فرض عدم هم خطی متغیرهای مستقل نیز با توجه به مقادیر شاخص تولرانس<sup>۱</sup> (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس<sup>۲</sup> (کوچک تر از عدد ۲/۵) به تأیید رسیده است.

- متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی، مشتمل بر متغیرهای کنترل خانواده، یادگیری پر خاشگری در خانواده، نارضایتی از عملکرد داوران مسابقه و تحریک رسانه‌های جمعی تأثیر معنی‌داری بر پر خاشگری داشته‌اند؛ همچنین متغیرهای مذکور، توانسته‌اند براساس ضریب تبیین اصلاح شده، ۲۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (پر خاشگری تماشاگران) را تبیین نمایند (جدول شماره ۶).

1- Tolerance

2- Variance Inflation Factor

جدول شماره ۶- آماره های تحلیل رگرسیونی چند متغیره پرخاشگری تماشاگران

| خلاصه مدل                    | آنالیز واریانس |        | Tolerance | VIF  | Sig   | کمیت t | بتا    | متغیر                       |
|------------------------------|----------------|--------|-----------|------|-------|--------|--------|-----------------------------|
|                              | Sig            | کمیت F |           |      |       |        |        |                             |
| ضریب همبستگی چندگانه<br>/۵۱۲ | ۰/۰۰۰          | ۴/۱۸۶  | ۰/۷۵۹     | ۱/۴۷ | ۰/۰۰۰ | -۴/۵۲  | -۰/۲۵۲ | کنترل خانواده               |
| ضریب تبیین<br>/۳۰۷           |                |        | ۰/۸۴۳     | ۱/۳۵ | ۰/۰۰۰ | ۲/۸۹   | ۰/۱۷۹  | یادگیری پرخاشگری در خانواده |
| ضریب تبیین اصلاح شده<br>/۲۹۸ |                |        | ۰/۷۵۴     | ۱/۵۴ | ۰/۰۰۸ | -۲/۵۳  | -۰/۱۴۶ | سن                          |
| اشتباه معیار برآورد<br>۱۳/۷۹ |                |        | ۰/۸۱۶     | ۱/۴۸ | ۰/۰۲۹ | ۲/۰۷   | ۰/۱۲۱  | نارضایتی از داور            |
| کمیت دوربین واتسون<br>۱/۵۵   |                |        | ۰/۸۷۸     | ۱/۳۳ | ۰/۰۴۲ | ۱/۹۱   | ۰/۱۱۷  | تحریک رسانه ها              |

### بحث و نتیجه گیری

خشونت و پرخاشگری، پدیده‌هایی روانی- اجتماعی هستند که در محیط‌های جمعی هیجان آور امکان تجلی پیدا می‌کنند و بین فعالیت‌های ورزشی گوناگون، ورزش فوتبال بیش از سایر رشته‌های ورزشی زمینه‌ساز چنین محیطی به شمار می‌آید، بررسی زمینه‌های مساعد اجتماعی موجود در ورزش فوتبال را می‌توان بررسی جامعه‌شناسانه‌ای دانست که امکان شناخت عامل‌های اجتماعی مؤثر را در ورزش و خشونت فراهم می‌سازد؛ فلذا، پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پرخاشگری تماشاگران فوتبال انجام شده است.

- مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار شخص از طریق مشاهده و در طول جامعه‌پذیری و الگوسازی شکل می‌گیرد، به نظر بندورا، افراد با مشاهده رفتارهای خشن و نامطلوب از خانواده، رسانه، همسالان یاد می‌گیرند که خشونت چیست و چگونه باید آن را به انجام رسانید، سپس این رفتار را در زندگی شخصی خود، حتی در زندگی اجتماعی به احتمال زیاد پیاده می‌کنند. همچنین نظریه‌پردازانی چون استراوس، پاترسن، اریک فروم و نوربرت الیاس، مایرز، نظریه‌پردازان خرده فرهنگ خشونت و مکتب لیسنستر هر یک به نقش مشاهده و یادگیری در شکل‌گیری رفتار تأکید عمده‌ای دارند. در تأیید محتوای نظریات فوق، نتایج تحقیقات پرورش و همکاران (۱۳۹۴)، فتحی و میر مقدم (۱۳۹۴)، احمدی و عربی (۱۳۹۲)، قاسمی (۱۳۸۸)، رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، وثوقی و خسروی نژاد (۱۳۸۸)، همتی نژاد (۱۳۷۹)، عنبری (۱۳۸۸)، هال و همکاران (۱۹۷۱) و کوروین (۲۰۰۲)، نشان داد که بین دو متغیر یادگیری پرخشگری و پرخشگری تماشاگران رابطه معنی‌داری وجود دارد، بدین نحو که هرچه یادگیری پرخشگری افراد در خانواده، از طریق رسانه بیشتر باشد، پرخشگری در بین آنان افزایش می‌یابد؛ پس می‌توان گفت که نتایج تحقیقات انجام یافته پیشین و نظریات مذکور، همخوان با نتیجه تحقیق حاضر بوده، پس قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

- نتایج به دست آمده از تحقیقات جامعه‌شناسانی که در چارچوب تئوری کنترل اجتماعی به بررسی پرخشگری در بین هواداران فوتبال پرداخته‌اند، به خوبی نشان‌دهنده این مسأله است که یکی از عوامل عمده و مؤثر در بروز این چنین رفتارهایی عدم کنترل فضاهای استادیوم‌ها و بیرون از آن به خصوص از سوی نیروی انتظامی می‌باشد. خشونت هواداران در بسیاری از مواقع در نتیجه احساس رهایی از قید و بندهای موجود جامعه و خانواده است که فضای استادیوم و شرایط مسابقه به آن‌ها می‌دهد. به اعتقاد این نظریه‌پردازان، اگر قوانین و مقررات همان‌گونه که در جامعه و در شرایط محیطی متفاوت اعمال می‌شود در فضای استادیوم نیز اعمال شود، جلوی اغتشاشات و بی‌نظمی‌ها گرفته می‌شود. هیرشی در بررسی انواع

انحرافات بر این ایده تأکید دارد که رفتار انحرافی را باید بر مبنای پیوستگی‌هایی مورد بررسی قرار داد که فرد با نهادهای اجتماعی اعم از خانواده، مدرسه، همسالان و دیگر نهادها، سازمان‌ها، و واحدهای اجتماعی جامعه دارد. بزهکاری، پرخاشگری، وندالیسم و ... وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف و یا به کلی از بین رود. در تأیید محتوای نظریات فوق، نتایج تحقیقات پرورش و همکاران (۱۳۹۴)، فتحی و میرمقدم (۱۳۹۴)، راسخ و عباسی نصرآباد سفلی (۱۳۹۳)، احمدی و عربی (۱۳۹۲)، نقدی (۱۳۹۱)، قاسمی (۱۳۸۸)، رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، وثوقی و خسروی نژاد (۱۳۸۸)، عنبری (۱۳۸۸)، کوارکیس (۲۰۰۴)، فیلسون (۱۹۹۹) و جیولیانونتی (۱۹۹۹) نشان داد که بین کنترل اجتماعی و پرخاشگری رابطه معنی‌داری وجود دارد، نوع رابطه نیز منفی و معکوس می‌باشد، پس می‌توان گفت که نتایج تحقیقات انجام شده قبلی و محتوای نظریات مذکور همسو و منطبق با نتیجه تحقیق حاضر بوده، بنابراین قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

- بر طبق دیدگاه تئوری رفتار غریزی، پرخاشگری‌هایی که در طول مسابقات ورزشی یا بلافاصله پس از اتمام آن از تماشاگران سر می‌زند، نمایشی سمبلیک از انرژی پرخاشگریانه است که اگر سرکوب شود، در متن جامعه بروز می‌کند و نرخ جرائم خشونت‌ی و رفتارهای خشونت‌آمیز را در صحنه‌های دیگر اجتماعی بالا خواهد برد. در این راستا، ناکامی در رسیدن به اهداف منجر به بروز رفتارهای مختلفی می‌شود که یکی از آن‌ها پرخاشگری است، بر طبق این تئوری رفتارهای وندالستیک و اوباشگریانه تماشاگران فوتبال تا حدود زیادی نتیجه ناکامی آن‌ها در تحقق اهدافشان در جریان برگزاری مسابقات می‌باشد. در تأیید محتوای نظریات فوق، نتایج تحقیقات رحمتی و محسنی تبریزی (۱۳۸۰)، همتی نژاد (۱۳۷۹)، کشمیری (۱۳۸۸)، حاکی از آن است که بین دو متغیر ناکامی و پرخاشگری تماشاگران رابطه معنی‌دار وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نتایج

تحقیقات انجام یافته پیشین و محتوای نظریات مذکور، همسو با نتیجه تحقیق حاضر بوده و قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

- به عقیده ارونسون، رسانه‌های همگانی، بخصوص تلویزیون، مجموعه‌ای از عوامل به ویژه قدرتمند برای یادگیری پرخشگری هستند. تردیدی نیست که تلویزیون، نقش عمده‌ای در اجتماعی ساختن کودکان ایفا می‌کند. همچنین تردیدی نیست که تلویزیون در خشونت غوطه‌ور باقی مانده است. وی معتقد است این رسانه‌ها با تحریک احساسات افراد و عکس‌العمل‌های خاص خود می‌توانند تأثیر بسزایی در افزایش یا کاهش خشونت و پرخشگری داشته باشند؛ به نظر ویس، وسایل ارتباط جمعی سبب تنوع شکل‌های ارتباطی شده است، به طوری که دایره نفوذ آن هر روز گسترده‌تر می‌شود و فضایی به وسعت تمام دنیا را در بر می‌گیرد، ولی متأسفانه همین رسانه‌ها، با عملکردهای نا به جا و بزرگ‌نمایی صحنه‌های ورزشی از جمله صحنه‌های خشونت بار و پرخشگرایانه ورزشی، ایرادگیری‌های بی‌هوده و واهی از داور، بازیکنان و مربیان، قضاوت‌های ناعادلانه و ارزشی و متعصبانه، تخریب یکی از تیم‌های حاضر در میدان و ... سبب پیدایش و افزایش رفتارهای مخرب و پرخش‌جویانه از سوی تماشاگران حاضر در باشگاه‌ها می‌شوند. به عقیده میشل فوکو، نیز دیدن وقایع برنامه‌های ورزشی، حواشی مسابقات، خشونت و پرخشگری‌ها، سوگیری‌ها، هیجانات تماشاگران و ... و ضبط و پخش مکرر پشت صحنه و به نمایش درآوردن درون پنهان آنها و .. همه این صحنه‌ها با جزئیات دقیق، موجب ایجاد احساسات شدید در بیننده می‌گردند. بنابراین، در تأیید نظریات فوق نتایج پژوهشات قاسمی (۱۳۸۸)، رحیمی (۱۳۸۸)، وثوقی و خسروی نژاد (۱۳۸۸)، عنبری (۱۳۸۸)، صدیق سروستانی (۱۳۸۱)، کشمیری (۱۳۸۸)، جهانفر (۱۳۸۱)، ذوالاکتاف (۱۳۸۸)، هال و همکاران (۱۹۷۱)، تننبام و سینگر (۱۹۹۷)، کوارکیس (۲۰۰۴)، کوروین (۲۰۰۲)، فیلسون (۱۹۹۹) و جیولیانونی (۱۹۹۹) نشان داد که بین متغیر تحریک رسانه‌های جمعی و پرخشگری تماشاگران رابطه معنی‌داری مستقیمی وجود دارد، به این لحاظ می‌توان بیان نمود محتوای نظریات مطرح شده و نتایج

پژوهشات مذکور، همسو با نتیجه پژوهش حاضر بوده و لذا قابل کاربرد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

### پیشنهادها

با توجه به رویکردهای نظری و پیشنهادها تجربی مذکور و همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، می‌توان پیشنهادات زیر را در راستای کاهش و پیشگیری از بروز این مساله اجتماعی بدین شرح ارائه نمود:

- با توجه به همبستگی معنی‌دار بین دو متغیر یادگیری پرخاشگری و پرخاشگری تماشاگران و همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی مشخص گردید که یادگیری پرخاشگری توسط افراد از عوامل مؤثر در پیش‌بینی و تبیین پرخاشگری در بین تماشاگران می‌باشد، لذا، پیشنهاد می‌گردد که والدین در خانواده، نهایت سعی خود را جهت جلوگیری از درگیری بین یکدیگر و بین سایر اعضای خانواده به عمل آورند، چرا که افراد علی‌الخصوص نوجوانان و جوانان با یادگیری و درونی‌سازی بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز سعی در تکرار آن در خانواده، در بین دوستان و نهایتاً در سطح جامعه می‌نمایند. بعلاوه توصیه می‌شود که رسانه‌ها و مطبوعات تا حد امکان از پخش و ارائه فیلم‌ها و برنامه‌ها و مطالب خشونت‌آمیز ممانعت به عمل آورند و در این راستا خانواده‌ها، توصیه‌های لازم را به اعضای خود در زمینه انتخاب برنامه‌ها و فیلم‌هایی که در دستگاه سی دی و یا ماهواره پخش می‌گردد گوشزد نمایند.

- با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، متغیر کنترل خانواده بیشترین تأثیر را در تبیین تغییرات متغیر وابسته پرخاشگری تماشاگران داشته است، و نوع تأثیر نیز معکوس می‌باشد، به این معنی که با افزایش کنترل رفتارهای افراد توسط خانواده، پرخاشگری کاهش می‌یابد، بنابراین لازم است خانواده‌ها با کنترل‌های مناسب رفتارهای اعضای خود نظیر شناخت دوستان، پیگیری کارهای مهم و ... از بروز رفتارهای پرخاش جوانانه افراد جلوگیری نمایند. همچنین، با توجه به تأیید رابطه بین متغیر کنترل پلیس با هر دو بُعد متغیر پرخاشگری (ابعاد روانی و فیزیکی) و

وجود رابطه معکوس و منفی بین این متغیرها، لذا پیشنهاد می‌گردد که مأموران نیروی انتظامی نهایت سعی خود را برای ایجاد فضایی مناسب جهت انجام مسابقات فوتبال بدون آشوب و درگیری بین هواداران با به کارگیری شیوه‌های مؤثر کنترل به عمل آورند. همچنین با توجه به افزایش برگزاری مسابقات فوتبال طی سال‌های اخیر و حساسیت بازی‌های تیم‌های لیگ برتر کشور و مشکلات به وجود آمده از رفتارهای اوباشگرایانه پیشنهاد می‌گردد با تشکیل پلیس ورزش (آموزش دیده، مجهز و آشنا به امور) که به خوبی قادر به اجرای مدیریت بحران و مقابله با خشونت و پرخشگری باشد، اقدام شود.

- از آنجا که همبستگی بین دو متغیر تحریک رسانه‌های جمعی و پرخشگری تماشاگران نیز مورد تأیید واقع شد و تأثیر مستقیم متغیر مذکور، بر پرخشگری در مدل رگرسیونی نیز مورد تأیید قرار گرفت؛ فلذا، پیشنهاد می‌گردد، که با ارتقاء کیفی برنامه‌های صدا و سیما مسئولین، مجریان و کارشناسان محترم برگزاری برنامه‌های ورزشی جهت تجزیه و تحلیل مسابقات ورزشی، عدالت و انصاف را در بررسی بازی‌ها و حواشی مسابقات رعایت کرده و تا آنجا که می‌توانند از گزارشات و تحلیل‌های مغرضانه و سوگیرانه خودداری نمایند.

- همچنین با توجه به معنی‌داری همبستگی خطی بین دو متغیر نارضایتی از عملکرد داوران مسابقه و پرخشگری، و نیز تأثیر این متغیر در تبیین تغییرات متغیر پرخشگری تماشاگران در مدل رگرسیونی، پیشنهاد می‌شود با ارائه آموزش‌های لازم به داوران مسابقات و انتخاب داوران به نام و پر تجربه در بازی‌های حساس، گام‌هایی در جهت کاهش اشتباهات و سوگیری‌های ناشی از داوری که منجر به خشونت‌های احتمالی از طرف هواداران می‌شود، برداشته شود.

## منابع

- احمدی، حبیب؛ عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج). فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۰-۷.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۷). روانشناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکر کن. تهران: انتشارات رشد.
- پرورش، محمد؛ اکبری‌ان، اکبر؛ رضایی خندکدار، مجتبی و ماسوری، مهدی (۱۳۹۴). « بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی - فرهنگی و ارتکاب به جرم در بین مراجعہ کنندگان به مراجع قضایی شهر اصفهان ». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره اول، صص: ۴۶-۲۳.
- جهانفر، محمد (۱۳۸۱). خشونت در فوتبال قابل پیشگیری است. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹.
- جیولیانونتی، ریچارد (۱۳۹۱). نظریه های جامعه شناختی انتقادی در ورزش. ترجمه افسانه توسلی. تهران: نشر علم.
- حبیب پور، کرم و صفری، رضا (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی). تهران: نشر لویه.
- دواس، دی. ای (۱۳۸۶). پیمایش در پژوهشات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- راسخ، کرامت الله و عباسی نصرآباد سفلی، عبدالرسول (۱۳۹۳). «عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش به خرابکاری (مطالعه موردی: دانش آموزان دبیرستانی شهر یاسوج)». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره چهارم، صص: ۲۴-۱.



- رحمتی، محمد مهدی و محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۲). بررسی عامل‌های جامعه‌شناختی خشونت و پر خاشگری تماشاگران فوتبال، مطالعه موردی: شهر تهران. فصلنامه المپیک، سال یازدهم شماره ۳ و ۴.
- رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی خشونت ورزشی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحیمی، محمد (۱۳۸۸). بررسی و مقایسه عوامل موثر در خشونت و پر خاشگری تماشاگران فوتبال از دیدگاه مدیران و مربیان باشگاه‌های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز؛ عسگریان، ؛ اسدی، پروا؛ معاشری، امین و محمدی تقوی، سیدمحمد (۱۳۸۹). آزمون‌های روانشناختی. تهران: نشر ویرایش.
- سعادت، موسی و عباس زاده، محمد (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر پر خاشگری در بین تماشاگران تیم فوتبال تراکتورسازی شهر تبریز. طرح پژوهشاتی دفتر پژوهشات کاربردی نیروی انتظامی استان آذربایجان شرقی.
- سعادت، موسی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، همسرآزاری و سلامت روانی در بین زنان متاهل شهر تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی کجروی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت.

- عباس زاده، محمد، سعادت‌تی، موسی، کسب و کار، حسین (۱۳۸۹). **خشونت خانگی تهدیدی علیه سلامت روانی (مطالعه جامعه شناختی زنان متاهل شهر تبریز)**. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۹۰-۶۱.
- فتحی، سروش، میر مقدم، کاظم (۱۳۹۴). «**بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش میزان جرایم (مورد مطالعه: جوانان شهرستان شهربار)**». فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره اول، صص: ۱-۲۲.
- قاسمی، وحید؛ ذوالاکتاف، وحید و نورعلی وند، علی (۱۳۸۸). **توصیف جامعه شناختی عوامل موثر بر وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال**. فصلنامه المپیک، شماره ۱.
- قاسمی، وحید، ذوالاکتاف، وحید، نورعلی وند، علی (۱۳۸۸). **جامعه شناسی ورزش: وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال**. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). **جامعه شناسی انحرافات اجتماعی**. تهران: انتشارات طهوری.
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱). **سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان**. مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۲.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). **پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی**. جلد ۱. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷). **خلاصه مباحث جرم‌شناسی**. گردآوری مجتبی جعفری.
- نقدی، وحید (۱۳۹۱). **بررسی تأثیر هنجارهای اخلاقی و تربیتی بر خشونت جوانان**. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳، صص: ۴۰-۷.

- وثوقی، منصور و خسروی نژاد، سید محسن (۱۳۸۸). **بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی رفتار هیجانی تماشاگران فوتبال**. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱.
- ویس، اتمار (۱۳۸۹). **مبانی جامعه‌شناسی ورزش**. ترجمه کرامت الله راسخ. تهران: نشر نی.
- همتی نژاد، مهرعلی؛ رحمانی نیا، فرهاد؛ صالحی، سیروس و کیالاشکی، رشاد (۱۳۷۹). **بررسی عوامل پرخاشگری در میدان های ورزشی از دیدگاه ورزشکاران، تماشاگران و متخصصان تربیت بدنی**. فصلنامه المپیک، شماره ۳ و ۴، صص ۴۶-۳۶.
- Chibucos T., & Leite, R. (2005). **Readings in family theory**. London: Sage Publications.
- Courakis N. (2004). Football Violence: Not only a British Problem, **European Journal on Criminal Policy and Research**. Pp 293-302.
- Giulianotti, R. (1999). **Football: A Sociology of The Global Game**. Polity Press, 1999.
- Gordon W. Russell. (2004). **Sport riots: A social-psychological review**, Department of Psychology and Neuroscience, University of Lethbridge, PP353-378.
- Hirschi, T. (1969). **Cause of delinquency**. by the regents of the university of California press.
- Myers. D. (1994). **Exploring Social Psychology**, McGraw-Hill, Inc.
- Poutvaara, P. Priks, M. (2006). Hooliganism in the Shodow of a Terrorist Attack: Do Police Reduce group Violence. **Center For Economic Studies**, 1-14.
- Spaaij, R. (2006). The Prevention of Football Holiganism: A Transnational Perspective. **Amsterdam School For Social Research**, 4-16.
- Stone, W. (2002). Social Capital, Social Cohesion and Social Security. Australian Institution Family Studies.
- Tenenbaum G. Stewart E, Singer RN, Duda J. (1997). Aggression and violence in sport: AN ISSN Position Stand, **Journal of sports medicine and physical fitness**, 37(2): PP146-150.

- Waddington I, Malcolm D, Horak R.(1998). The Social Composition of football Crowds in Western Europe, **International Review for the Sociology of sport**, 33(2), PP 155-169.

Archive of SID